

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و سوم ، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

صفحات: ۸۴-۹۹

معیار گذاری تفسیر به حق و عدالت در فرآیندهای رسیدگی در پرتو آموزه های حقوق کیفری

نویسندگان:

سیدمحمدرضا موسوی فرد^{۱*}، سیدجابر حسینی^۲، امیر اسماعیلی^۳، نرجس سربار^۴

چکیده

تفسیر قوانین کیفری بر اساس حق و عدالت یکی از اصول اساسی در فرآیندهای رسیدگی قضایی است. اینجا به بررسی معیارهای تفسیر قوانین کیفری در چارچوب آموزه های حقوقی می پردازد و تأکید می کند که تفسیر قوانین باید به گونه ای انجام شود که عدالت ماهوی و حقوق اساسی افراد را تضمین کند. از جمله معیارهای کلیدی در این زمینه می توان به تفسیر مضیق قوانین کیفری، رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، توجه به اهداف تقنینی و تطبیق قوانین با ارزش های حقوق بشری اشاره کرد. نتایج نشان می دهد که تفسیر قوانین کیفری باید بر اساس منطق حقوقی و اصول عدالت محور صورت گیرد و از سوءاستفاده از قدرت تفسیری جلوگیری شود. همچنین، تفسیر پویا و انعطاف پذیر قوانین با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی، از دیگر معیارهای مهم در این فرآیند است. در نهایت، مقاله نتیجه می گیرد که تفسیر قوانین کیفری در پرتو آموزه های حقوقی باید به گونه ای باشد که حقوق متهمان، حقوق قربانیان و منافع عمومی را به طور متوازن تأمین کند و به تحقق عدالت کیفری کمک نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

کلید واژه ها : حق، عدالت، قضاوت، حقوق متهم

۱ : استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان ، mousavifard136394@gmail.com

۲ : دانشجوی دوره تخصصی دکترای حقوق عمومی، دانشگاه تهران – hasani.jaber.sey@ut.ac.ir

۳ : دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، ساوه – amires357246@gmail.com

۴ : دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت موسسه غیرانتفاعی ایوانکی – narjes.saryar@gmail.com

بیان مسئله

حقوق کیفری به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام حقوقی، وظیفه حفظ نظم عمومی، حمایت از حقوق افراد و تحقق عدالت را بر عهده دارد. در این میان، تفسیر قوانین کیفری به گونه‌ای که منجر به احقاق حق و تحقق عدالت شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تفسیر به حق و عدالت در فرآیندهای رسیدگی، مستلزم توجه به اصول بنیادین حقوق کیفری و آموزه‌های مرتبط با آن است. این نوشتار به بررسی مبانی نظری این موضوع می‌پردازد و نقش آموزه‌های حقوق کیفری را در تفسیر عادلانه قوانین تحلیل می‌کند. تفسیر به حق و عدالت به معنای فهم و تطبیق قوانین کیفری در راستای تحقق عدالت واقعی و احترام به حقوق ذاتی افراد است. این تفسیر باید بر پایه اصول حقوقی، اخلاقی و اجتماعی صورت گیرد تا از هرگونه اجحاف، تبعیض یا نقض حقوق افراد جلوگیری شود. در فرآیندهای رسیدگی کیفری، تفسیر قوانین باید به گونه‌ای باشد که هم به حقوق بزه دیده توجه کند و هم حقوق متهم را به طور کامل رعایت نماید.

عدالت در فرآیندهای رسیدگی کیفری مستلزم رعایت اصولی همچون بیطرفی قضات، حق دفاع متهم، علنی بودن دادگاهها، استقلال قضایی و منع تبعیض است. تفسیر قوانین باید به گونه‌ای باشد که این اصول را تقویت کند و از هرگونه ناعدالتی یا نقض حقوق افراد جلوگیری نماید. برای مثال، تفسیر قوانین باید به گونه‌ای باشد که حق دسترسی به وکیل، حق محاکمه عادلانه و حق تجدید نظرخواهی را برای متهم تضمین کند. نوعاً آموزه‌های حقوق کیفری به عنوان چارچوبی نظری و عملی، راهنمای قضات و حقوقدانان در تفسیر قوانین هستند. این آموزه‌ها شامل نظریه‌های مربوط به جرم، مجازات، مسئولیت کیفری و اهداف مجازات‌ها می‌شوند. برای مثال، نظریه‌های بازدارندگی، اصلاحی و سزادهی در تعیین مجازات‌ها نقش دارند و تفسیر قوانین باید با توجه به این نظریه‌ها صورت گیرد. همچنین، آموزه‌های حقوق کیفری بر لزوم توجه به شرایط فردی متهم، شدت جرم و آثار اجتماعی مجازات‌ها تأکید می‌کنند. تفسیر به حق و عدالت در فرآیندهای رسیدگی کیفری، مستلزم توجه به اصول بنیادین حقوق کیفری و آموزه‌های مرتبط با آن است. این تفسیر باید به گونه‌ای باشد که منجر به تحقق عدالت واقعی، احترام به حقوق افراد و رعایت تناسب بین جرم و مجازات شود. با توجه به چالشهای موجود، لازم است قضات و حقوقدانان با استفاده از آموزه‌های حقوق کیفری و رعایت اصول حقوقی، قوانین را به گونه‌ای تفسیر کنند که منجر به تحقق عدالت و حق شود. تنها در این صورت است که می‌توان به یک نظام کیفری عادلانه و کارآمد دست یافت. تفسیر به حق و عدالت در فرآیندهای رسیدگی کیفری، مستلزم توجه به اصول بنیادین حقوق کیفری و آموزه‌های مرتبط با آن است. در عصر حاضر، تحولات اجتماعی، سیاسی و فناوری، تفسیر

قوانین کیفری را با چالشهای جدیدی مواجه کرده است. برای تحقق عدالت واقعی، قضات و حقوقدانان باید از رویکردهای نوین مانند عدالت ترمیمی و عدالت دیجیتال استفاده کنند.

پیشینه پژوهشی

- مقاله با موضوع: بررسی تطبیقی ضمانت اجرای نقض دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و فرانسه به قلم: میرزاجانی و دیگران که یافته آن حاکی از آن است که: به نظر می‌رسد در حقوق کیفری فرانسه، قانون‌گذار توجه بیشتری به تنوع و تناسب ضمانت اجراها در قبال نقض دادرسی منصفانه داشته است. در حقوق کیفری ایران، باوجود توجه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به موازین و اصول دادرسی منصفانه، حمایت بایسته‌ای از اصول و موازین گفته‌شده از طریق پیش‌بینی ضمانت اجرای قانونی متناسب و بازدارنده به عمل نیامده است.

- مقاله با موضوع: شناسایی و رتبه‌بندی راهکارهای قوه قضائیه جهت کاهش اطاله دادرسی به قلم: منصفی که یافته آن حاکی از آن است که: اصلاح فرآیندهای رسیدگی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، یکی از امور ضروری جهت بهبود و افزایش کارآمدی این نظام است. به همین منظور قوه قضائیه همواره تلاش داشته است تا امکان حداکثر بازدهی در رسیدگی به پرونده‌ها ایجاد گردد. تا ضمن کوتاه شدن زمان دادرسی و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها، اطاله دادرسی ناشی از معیوب بودن فرآیندهای دادرسی نیز از بین برود. از این رو در این پژوهش برآنیم تا به شناسایی و رتبه‌بندی راهکارهای قوه قضائیه جهت کاهش اطاله دادرسی بپردازیم.

- مقاله با موضوع: بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تأثیر ایشان بر کاهش اطاله دادرسی به قلم: رفیعی طباطبایی که یافته آن حاکی از آن است که: اصلاح فرآیندهای دادرسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، یکی از ضروریات بهبود سیستم قضایی می‌باشد. به همین منظور قوه قضائیه همواره تلاش داشته است تا امکان حداکثر بازدهی در رسیدگی به پرونده‌ها ایجاد گردد؛ تا با کوتاه شدن زمان دادرسی و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها، اطاله دادرسی ناشی از معیوب بودن فرآیندهای دادرسی نیز از بین برود. اقدامات قوه قضائیه در زمینه اصلاح فرآیندهای دادرسی را در دو دسته می‌توان تقسیم بندی نمود. نخست اقداماتی که ناظر بر طرح صحیح دعوای در محاکم هستند و قلمرو اعمال آنها قبل از طرح دعوای است؛ و دوم اقداماتی که ناظر بر مدیریت قضایی می‌باشند و در زمان دادرسی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- مقاله با موضوع: جبران خسارتهای ناشی از بازداشت افراد بی تقصیر (با تأکید بر نقش و جایگاه ضابطین دادگستری) به قلم: آقابابایی بخشایش و... که یافته آن حاکی از آن است که: قاعده‌ای بنیادین و مبتنی بر اصل احترام به آزادی آنهاست. اما گاهی بازداشت شهروندان مظنون به ارتکاب

جرائم پیش بینی شده در قانون - در فرض تحقق شرایط قانونی، برای صیانت از نظم و منافع عمومی ضرورت دارد. یافته‌ها و نتایج بازداشت اشخاص با دستور مقام قضایی و از سوی ضابطین دادگستری انجام می‌شود. اصل استقلال قضایی ایجاب می‌نماید که مأمورین انتظامی و سایر ضابطین قضایی، دستور بازداشت را قانونی فرض کنند.

- چندین منبع دیگری که به موضوع پرداخته است ولی به علت "رعایت اصل اختصار" صرف نظر می‌گردد.

مبانی نظری

عدالت و مساوات از مفاهیم بنیادین در فلسفه حقوق، اخلاق و علوم سیاسی هستند که همواره مورد بحث و بررسی اندیشمندان و فیلسوفان قرار گرفته‌اند. این مفاهیم نه تنها در حوزه نظری، بلکه در عمل نیز نقش اساسی در شکل گیری قوانین، سیاست‌ها و نظامهای اجتماعی ایفا می‌کنند. رابرت نوزیک در مقابل نظریه رالز، از نظریه "عدالت به عنوان حق" دفاع می‌کند. او معتقد است که عدالت مستلزم احترام به حقوق فردی، به ویژه حق مالکیت، است. نوزیک بر این باور است که هر توزیعی عادلانه است که از طریق انتقال داوطلبانه و بدون اجبار صورت گرفته باشد. او با دخالت دولت در توزیع منابع مخالف است و معتقد است که این امر به حقوق فردی لطمه می‌زند. هدف ما در اینجا بیشتر بعد کیفری عدالت است؛ عدالت کیفری به دنبال تحقق عدالت در فرآیندهای رسیدگی به جرائم است. این مفهوم شامل اصولی همچون برابری در برابر قانون، حق محاکمه عادلانه، تناسب جرم و مجازات و احترام به حقوق متهم و بزه‌دیده می‌شود. نظریه‌های عدالت کیفری بر این تأکید دارند که مجازات‌ها باید متناسب با جرم باشند و از هرگونه تبعیض یا اجحاف جلوگیری شود. اینجاست که به مفهوم برابری در مقابل و معیار قانون می‌رسیم برابری در مقابل قانون به این معناست که همه افراد باید در برابر قانون یکسان باشند و از حقوق و تکالیف برابر برخوردار باشند. این مفهوم یکی از اصول بنیادین حقوق مدرن است و بر لزوم رفع تبعیض و اجحاف در نظام حقوقی تأکید دارد. عدالت، موضوعی است که بشر در طول تاریخ بدنبال آن بوده است و سعی کرده که تعریف مناسبی از آن ارائه دهد. عدالت و مساوات هم در متون فقهی که در خصوص شرایط قضاوت و حکومت است و هم در قوانین جمهوری اسلامی ایران دیده شده است و در چند اصل قانون اساسی نسبت به برابری و یکسان بودن همه انسانها با همه خصوصیات از قبیل

جنس، رنگ، نژاد و ... توجه شده است و برای همه انسانها حق برخورداری از عدالت و مساوات قائل شده است. (زارعی و دیگران، ۱۴۰۰)^۱

نوعاً باید دانست عدالت و مساوات از مفاهیم کلیدی در فلسفه، حقوق و علوم اجتماعی هستند که همواره مورد توجه اندیشمندان و سیاستگذاران قرار گرفته‌اند. نظریات مختلفی در مورد عدالت و مساوات ارائه شده است که هر یک بر جنبه‌های خاصی از این مفاهیم تأکید دارند. در جهان معاصر، تحقق عدالت و مساوات با چالشهای جدیدی مواجه است که نیازمند رویکردهای نوین و راهکارهای مؤثر است.

مفهوم عدالت در رسیدگی

عدالت از نخستین و اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر بوده که در عرصه‌های مختلف زندگی و در چهره‌های متفاوتِ عدل فلسفی، عدل کلامی، عدل سیاسی، عدل اخلاقی و عدل حقوقی، اندیشه او را به خود مشغول داشته است. (دانش پژوه، ۱۳۸۶، ص ۸۵) عدالت در رسیدگی قضایی به معنای اجرای بی‌طرفانه، منصفانه و بر اساس قوانین و مقررات است. این مفهوم به طور خاص به فرآیند دادرسی و رسیدگی به دعاوی و تظلمات افراد توسط مقامات قضایی اشاره دارد. عدالت قضایی به معنای رسیدگی عادلانه و منصفانه به دعاوی و جرائم است که شامل رعایت حقوق طرفین دعوا، استقلال قضایی و توجه به اصول قانونی در تمامی مراحل دادرسی می‌شود. این مفهوم نه تنها شامل مرحله صدور حکم، بلکه از مراحل اولیه مانند تحقیقات مقدماتی تا اجرای حکم را نیز در بر می‌گیرد. مؤلفه‌های اصلی عدالت قضایی شامل موارد زیر است:

بی‌طرفی: قاضی باید بدون هرگونه تعصب یا تأثیرات خارجی تصمیم‌گیری کند.

رعایت حقوق طرفین: تمامی حقوق قانونی و شرعی افراد در فرآیند دادرسی باید مورد توجه قرار گیرد.

دسترسی به دادگاه: افراد باید بتوانند به راحتی و با کمترین هزینه به مراجع قضایی دسترسی داشته باشند تا حقوق خود را احقاق کنند.

اتقان دادرسی: تصمیمات قضایی باید دقیق و مستند به مدارک و شواهد موجود باشد.

۱. یافته‌های حاصل از بررسی نشان داد که عدالت و مساوات در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک طرف در قرآن و سنت بعد از وجود خداوند واحد، به هیچ اصلی به اندازه صداقت و تساوی حقوق و برابری تأکید نشده است. از طرفی دیگر ارتباط عدالت و قانون گذاری به شکل گیری مفهوم عدالت تقنینی به عنوان یکی از مهم‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی منجر می‌شود و منظور از آن، این که قانون گذاری به نحو شایسته انجام شود تا مردم در یک فضای عادلانه بنای زندگی خود را پایه ریزی کنند. (توجه شود به منبع پیشین)

عدالت قضایی یکی از ارکان اساسی نظام‌های حقوقی است و تحقق آن می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضایی و کاهش ناراضیاتی‌های اجتماعی منجر شود. در نظام‌های اسلامی، عدالت قضایی به عنوان یک اصل کلیدی مطرح است که بر اساس آموزه‌های قرآن و سیره معصومین (ع) بنا شده است. عدالت در رسیدگی قضایی نه تنها برای حفظ حقوق فردی افراد ضروری است، بلکه برای ایجاد یک جامعه سالم و عادلانه نیز حیاتی می‌باشد. تحقق عدالت قضایی را می‌توان هدف غایی هر نظام قضایی و حقوقی دانست. نوع الفاظ و شیوه بیان اقرار توسط مقرر یا ادای شهادت از سوی شاهد یا تنظیم اسناد مختلف از سوی خواهان و خوانده می‌تواند تابع عوامل مختلفی مثل سن، جنس، نژاد، قومیت، میزان سواد و سلامت روحی و جسمی، هوش، فرهنگ اجتماعی و غیره باشد. بر این اساس کشف مراد اصلی و حقیقی افراد مزبور از سوی قاضی در برخی موارد تا حدی دشوار می‌شود که می‌تواند مانعی برای تحقق عدالت قضایی تلقی گردد. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳)

عدالت قضایی از جمله حوزه‌های مهم عدالت اجتماعی و به معنای رعایت حقوق قانونی و شرعی اصحاب دعوا در فرایندهای مختلف دادرسی است. با توجه به کیفی بودن مفهوم عدالت، امروزه بیشتر کشورها به‌منظور سنجش و ارزیابی میزان تحقق عدالت در دستگاه قضایی شاخصه‌ها و معیارهای عینی مختلفی را مشخص کرده‌اند. وجود شاخص در این حوزه ضمن آنکه موجب جهت‌دهی سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دستگاه قضایی می‌شود، امکان ارزیابی عملکرد آن دستگاه در تحقق عدالت قضایی را فراهم می‌آورد. قانون اساسی در راستای تحقق عدالت قضایی، ضمن تعیین قوه قضاییه به‌عنوان مسئول اجرای عدالت قضایی، به‌منظور سنجش میزان تحقق عدالت در دستگاه قضایی شاخصه‌هایی را پیش‌بینی و تمهیداتی را برای تضمین هر یک از آن‌ها ذکر کرده است. از منظر قانون اساسی، در دسترس بودن دادگاه، حاکمیت قانون، استقلال قضایی، اتقان دادرسی، برابری طرفین و رعایت حقوق دفاعی اشخاص، مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که به‌واسطه آن می‌توان میزان تحقق عدالت در دستگاه قضایی را سنجش و ارزیابی کرد. (مسعودیان، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳) یکی از شاخص‌های کارآمدی هر نظام سیاسی، عدالت قضایی است که نماد آن دستگاه قضایی می‌باشد. به هر میزان که دستگاه قضایی در تحقق عدالت قضایی موفق باشد، ثبات و کارآمدی نظام سیاسی بیشتر خواهد بود. (روحی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۷۰)

اصل تساوی سلاح‌ها

اصل برابری سلاح‌ها از اجزاء مهم یک دادرسی عادلانه به شمار می‌رود و بدین معنا است که در جریان دادرسی شرایطی فراهم گردد تا هر یک از طرف‌های دعوا، بتواند ادعای خود را در شرایطی

مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیت نا مناسب‌تری قرار ندهد. مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ سعی کرده که با الهام از حقوق کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه، بعضی از مقررات این قانون را بر پایهٔ این اصل استوار سازد و به امکانات دفاعی برابر، برای طرف‌های دعوا نظر داشته است. با وجود آن که قانون‌گذار ایران اصل تساوی سلاح‌ها را به عنوان یکی از مهم‌ترین لوازم دادرسی عادلانه در نظام کیفری ایران به صراحت پیش‌بینی ننموده و لیکن با تأمل در مواد این قانون به ویژه مواد ۲ تا ۶ آن، مصادیق و جلوه‌های اصل تساوی سلاح‌ها و به طور کلی شاخص‌های دادرسی منصفانه و رعایت آن‌ها در دادرسی کیفری قابل توجه است. حمایت‌هایی نظیر حق برخورداری متهم از مساعدت وکیل، حق اطلاع و دسترسی متهم بر ادله اثبات دعوی، حق برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی برای تهیه دفاعیه و دسترسی برابر، حق تقاضای احضار و پرسش و پاسخ از شهودله و علیه، امتناع از رسیدگی در صورت وجود قرابت بین یکی از اصحاب دعوا و مقام تحقیق و رسیدگی، اصل برائت و برابری در مقابل دادگاه، در این قانون بیان شده که همگی موجب تعدیل نابرابری امکانات بین مرجع تعقیب و متهم می‌شوند ولی از طرف دیگر وجود مواردی از قبیل تجمیع اختیار تعقیب و تحقیق در مقام واحد، عدم وجود قاضی ارجاع، عدم استقلال کامل بازپرس از دادستان و عدم اثبات ادعا از سوی دادستان در جلسه علنی دادگاه، موجب نقض اصل دادرسی منصفانه و تساوی سلاح‌ها در این قانون (آیین دادرسی در امور کیفری) شده است. (اشرافی، ۱۳۹۸، ص ۲۱)

اصل برابری سلاح‌ها در امور کیفری عبارت است از برابری شرایط و امکانات دفاع از خود (طرفین دعوا) در یک موضوع حقوقی یا کیفری. به عبارتی دیگر طرفین دعوا، بالاخص متهم، باید از امکانات برابر برخوردار باشند. اهمیت این موضوع در دعاوی کیفری ملموس‌تر از دعاوی مدنی‌ست چرا که اصل توافعی بودن (وجود مدعی و منکر) در محاکمات در موضوعات مدنی، مانع از خدشهٔ جدی بر اصل مذکور می‌شود، لیکن در دعاوی کیفری به دلیل سپردن اختیار تعقیب متهم به دادستان که بهره‌مند از امکانات دولتی و نیروی متخصص است، مانع جدی بر سر راه اعمال این اصل و رعایت آن است. در چنین وضعی اگر از متهم حمایت نشود، رهایی متهم از اتهام، در صورت بی‌گناهی، دشوار خواهد بود. امروزه با ورود مفاهیم حقوق بشری به قوانین داخلی شاهد تغییرات عمده منابع حقوقی هستیم. با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و پیدایش مفاهیم حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و با تشکیل دادگستری و سازمان‌های قضایی به شکل امروزی، رسیدگی به اختلافات و اتهامات کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه می‌باشد که مستلزم آیین دادرسی از پیش تعیین شده مبتنی بر سلسله شروط اساسی است. آیین دادرسی کیفری ایران نیز به عنوان قانون شکلی رسیدگی به امور کیفری با منبث شدن از مفاهیم مبتنی بر داشتن حق دادرسی منصفانه به عنوان حقی از حقوق بشر و حقوق شهروندی، به دنبال برقراری دادرسی عادلانه است. اصل تساوی

سلاح‌ها به معنای برابری حقوق طرفین دعوا و برابری قدرت دفاعی آنان در دادرسی است. گرچه این اصل به طور صریح در قوانین داخلی کیفری ایران نیامده، اما به طور ضمنی در مواد مختلف به برقراری عدالت دفاعی طرفین اشاره کرده است. از جمله حق آگاه شدن از اتهامات مطابق ماده ۱۹۵ آ. د. ک، حق دسترسی طرفین دعوا به مترجم مطابق مواد ۲۰۰ و ۲۰۱، حق برخورداری طرفین دعوا از وکیل مطابق ماده ۶۸ و... این اصل در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است تا با ترافعی کردن هرچه بیشتر رسیدگی در تحقیقات مقدماتی و فراهم آوردن شرایط یکسان برای طرفین، سیستم دادرسی را عادلانه سازند. میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ به اصول دادرسی عادلانه پرداخته است.^۱

قضاوت براساس ادله

قضاوت قاضی بر اساس ادله اثبات دعوی یکی از اصول اساسی در نظام‌های حقوقی است که بر مبنای آن، قاضی موظف است تصمیمات خود را بر اساس شواهد و مدارک معتبر و قانونی که در پرونده ارائه شده است، اتخاذ کند. این اصل تضمین می‌کند که حکم صادر شده منصفانه و مبتنی بر واقعیت‌های موجود باشد. قضاوت قاضی بر اساس ادله اثبات دعوی، پایه و اساس یک سیستم قضایی عادلانه و منصفانه است. قاضی باید با دقت و بی‌طرفی تمامی شواهد و مدارک را بررسی کند و بر اساس آنها تصمیم بگیرد. این روند تضمین می‌کند که حقوق همه طرفین دعوی رعایت شده و حکم صادر شده مبتنی بر واقعیت‌ها و قوانین باشد. بررسی تعارض علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی با رویکردی بر مبانی فقهی و اخلاقی پرداخته شده است و در فرایند این پژوهش، مباحث و مفاهیم اخلاقی، اصولی و فقهی در راستای، تحقق مبانی تحقیق و موضوع، آورده شده و حسب

۱. دولت ایران نیز با پیوستن به این میثاق آن را پذیرفته و مطابق ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است.» البته حساسیت رعایت این اصل در امور کیفری بیش از امور مدنی است به قدری که اگر نباشد دادرسی کیفری ممکن نخواهد بود زیرا در امور کیفری با تفویض اختیار تعقیب جرائم به دادستان، اگر تدابیر حمایتی از متهم لحاظ نگردد رهایی متهم بی‌گناه از چنگال اتهام سخت خواهد شد. تدابیری، چون اصل براءت، محاکمه علنی، حق حضور متهم در دادگاه یا حق دسترسی به پرونده در تحقیقات مقدماتی و سایر برابری‌ها در زمینه شهادت و شهود که با عدم رعایت هریک از این حقوق دفاعی، برابری سلاح‌ها نقض می‌شود. حق دسترسی به وکیل از اصول اولیه دادرسی عادلانه است چراکه متهم در برابر دادستان به علت ضعف حقوقی خود توان دفاع صحیح را ندارد و این امر را باید به یک وکیل بسپارد. در صورت عدم توانایی مالی وی برای اخذ وکیل دادگاه وکیل تسخیری برای وی معین می‌کند. حق برابری سلاح ایجاب می‌کند که متهم هم در شرایط مساوی با دادستان قرار گیرد و بتواند از شهود پرسش به عمل آورد و شهود خود را احضار کند. میزان فرصت‌های حمایتی که برای دادرسی عادلانه تدبیر شده است باید هم در متن قانون و هم در اجرای سازمان‌های قضایی یکسان اعمال شود. پس به منظور جلوگیری از خوددستی برخی نهادها و تجاوز به حقوق و آزادی افراد، رسیدگی باید توأم با رعایت اصول دادرسی منصفانه باشد و آرا بدون محدودیت در محاکم ذیصلاح باید قابل تجدیدنظر خواهی باشد. به معنایی، این اصل تضمین حقوق افراد در برابر قدرت است. در فقه اسلامی نیز این اصل در قواعدی، چون «قاعده درء» و «قیح عقاب بلا بیان» قابل رؤیت است. نک به:

اصول اخلاقی، استدلالات فقهی و قواعد اصولی حجیت علم قاضی را متعرض شده، با این بیان وقتی که دعاوی با ادله ظنی چون اقرار و بینه که کاشفیت ناقص از واقع دارند، قابل اثبات است، پس بطریق اولی علم قاضی که کاشفیت تام از واقع دارد حجت است. لذا در جریان دادرسی و صدور رأی، لزوم و ضرورت تحقق اقناع وجدان قاضی برای کشف حقیقت امری اجتناب ناپذیر است، و این اقناع گذشته از موازین قضائی بر موازین اخلاقی چون صبر، تدین، عدالت، مساوات، استشاره و... استوار است چرا که فقدان این امور می‌تواند از موانع حصول علم قاضی در جهت اقناع وجدان وی باشد، فی المثل قاضی که تشبیه به عدالت اخلاقی و اجتماعی ندارد به طریق اولی عدالت قضائی در صدور حکم نخواهد داشت. (بهره مندی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹)

ادله اثبات دعوی به مجموعه مدارک و مستندات اطلاق می‌شود که طرفین دعوا برای اثبات ادعای خود در محاکم قضایی ارائه می‌دهند. طبق ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی، دلیل به معنای امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از حق خود به آن استناد می‌کنند. در قوانین ایران، هر کس مدعی حقی باشد، موظف است آن را به اثبات برساند و این اصل در دعاوی کیفری و حقوقی متفاوت است. در دعاوی کیفری، بار اثبات بر عهده مرجع قضایی است و این مسئولیت سنگین‌تر از دعاوی حقوقی است. در حالی که در دعاوی حقوقی، مدعی باید دلایل خود را ارائه دهد، در دعاوی کیفری، قاضی باید بر اساس علم و مستندات موجود حکم صادر کند. بر اساس ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، علم قاضی به یقین حاصل از مستندات بین اطلاق می‌شود. در مواردی که حکم بر اساس علم قاضی صادر می‌شود، قاضی موظف است دلایل و قرائن مؤید علم خود را به طور صریح ذکر کند. علم شخصی قاضی بدون مستندات قانونی قابل قبول نیست و باید بر اساس شواهد موجود در پرونده باشد. قضاوت قاضی براساس ادله اثبات دعوی نیازمند ارائه مدارک معتبر و مستندات قانونی است. علم قاضی یکی از ابزارهای مهم در صدور حکم در دعاوی کیفری محسوب می‌شود، اما باید همواره مستند به شواهد و قرائن معتبر باشد تا عدالت برقرار گردد. قاضی به عنوان مقام صالح رسیدگی کننده به دعوا مختار است که پس از بررسی دلایل و مستندات ارائه شده به محضر دادگاه در مدت مقرر و طبق ضوابط معین قانونی به صدور حکم به نفع یا ضرر متهم بپردازد بنابراین تأثیر ادله اثبات دعوا در تصمیمات قاضی کیفری در صدور حکم محکومیت یا برائت متهم، ضرورت پژوهش پیشروی را متذکر می‌گردد زیرا قدرت اثباتی دلیل نقش موثری در سرنوشت متهم به حکم قاضی دارد چه بسا امروزه به جهت عدم محدودیت قاضی کیفری در مبارزه با بزهکاری و احقاق حقوق بزه دیده، آزادی عمل بیشتری به او در جستجوی دلایل اثبات دعوا و اعمال نظر پس از ارزیابی ادله مطروحه داده شده است تا بتواند در کشف حقیقت و یافتن مجرم واقعی جهت جبران خسارات وارده بر بزه دیده و نیز احیای نظم و امنیت عمومی جامعه به هدف متعالی دستگاه قضاء یاری رساند. (پورباقی، ۱۴۰۱)

رعایت انصاف و عدالت کیفری

«قسط» یکی از مفاهیم کلیدی در قرآن کریم و ناظر به انگاره عدالت و انصاف است. (اخوان طیس و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷) انصاف به عنوان یکی از اصول بنیادین در دادرسی کیفری، ارتباط نزدیکی با کرامت انسانی و حقوق بشر دارد. این مفهوم به ویژه در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، به عنوان یک اصل اساسی در فرآیند دادرسی منصفانه شناخته می‌شود. دادرسی عادلانه، که ریشه در انصاف دارد، به عنوان یکی از جلوه‌های مهم عدالت کیفری به شمار می‌آید و تضمیناتی برای حقوق متهمان فراهم می‌کند. در حقوق کیفری ایران، رعایت انصاف به عنوان یک اصل اساسی مطرح است. قانون‌گذار با توجه به اسناد بین‌المللی و متون فقهی، مقولاتی را در خصوص دادرسی منصفانه و تضمینات مرتبط با آن لحاظ کرده است. این تضمینات شامل مواردی چون حق دفاع، حق داشتن وکیل، اصل تساوی سلاح‌ها و حق آگاهی متهم از اتهامات است. عدالت و انصاف هدف احکام و قواعد فقهی و حقوقی است.^۱ برخی به دلیل عدم تحقق مطلوب این هدف در فقه و حقوق، آن را به صورت قاعده‌ای ارائه نموده‌اند، تا فقها و قضات دادگستری، احکام و قوانین موجود در فقه و حقوق را با آن ارزیابی کنند و هر چه را که عقل آن‌ها مستقل از شرع مخالف با عدالت و انصاف بیابد، کنار نهند و قوانین و احکام را آن گونه که مقتضی عدل و انصاف می‌دانند، صادر نمایند. اثبات چنین قاعده‌ای بر این مبنا استوار است که عقل بشری قادر به درک تمام یا اکثر مصادیق عدالت است. (کاتوزیان و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲)

نظام عدالت کیفری با چالش‌هایی نظیر نابرابری‌های سیستمی مواجه است که نیازمند اصلاحات جدی است. برای افزایش انصاف در این نظام، پیشنهاداتی شامل بازنگری در شیوه‌های پلیسی، سیاست‌های مجازات و دسترسی به خدمات حقوقی برای متهمان مطرح شده است. (رجوع به ، منابع ، پیشین)

۱. به عقیده ما ؛ انصاف به معنای استفاده از وجدان پاک و عدالت‌جویی انسانی برای تشخیص حق و اجرای صحیح آن است. این اصل در فرآیند دادرسی کیفری به معنای رفتار برابر با طرفین دعوا، رعایت حقوق دفاعی متهم، و تضمین یک محاکمه عادلانه است. در متون فقهی نیز انصاف به عنوان قاعده‌ای کلی شناخته می‌شود که سخت‌گیری‌های قوانین را تلطیف کرده و بر عدالت تأکید دارد. در نظام حقوق کیفری ایران، انصاف به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه شناخته شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین موضوعه مانند آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر رعایت این اصل تأکید دارند. اصولی مانند احترام به حیثیت ذاتی افراد، اصل برائت، و حق آگاهی از اتهام وارده نمونه‌هایی از این تضمینات هستند. اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر اهمیت انصاف تأکید کرده‌اند. این اسناد تضمیناتی مانند حق دفاع، منع بازداشت خودسرانه، و دسترسی برابر به عدالت را برای همه افراد پیش‌بینی کرده‌اند رعایت انصاف و عدالت کیفری نه تنها موجب حفظ حقوق افراد می‌شود بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت می‌کند. این اصول باید به گونه‌ای اجرا شوند که هم منافع قربانیان و هم حقوق متهمان حفظ شود تا عدالت واقعی تحقق یابد.

همچنین، رویکردهای جایگزین مانند عدالت ترمیمی می‌تواند به ارتقای انصاف و کاهش تکرار جرم کمک کند. رعایت انصاف و عدالت کیفری نه تنها یک ضرورت قانونی بلکه یک نیاز اجتماعی است. این اصول باید در تمامی مراحل دادرسی مورد توجه قرار گیرند تا حقوق بشر و کرامت افراد حفظ شود. در سالهای اخیر، نیاز به اصلاح نظام عدالت کیفری برای رسیدگی به نابرابری‌های سیستمی و تضمین انصاف و عدالت برای همه افراد درگیر به رسمیت شناخته شده است. این مقاله استراتژی‌های مختلفی را با هدف دستیابی به این اهداف، با تکیه بر تحقیقات، تحلیل سیاستها و بینش‌های عملی بررسی می‌کند. یکی از جنبه‌های کلیدی اصلاح نظام عدالت کیفری، نیاز به رسیدگی به نابرابری‌ها در شیوه‌های پلیسی است. (پیشین)

تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که جوامع خاص، به ویژه جوامع رنگین پوست، به طور نامتناسبی توسط مجریان قانون هدف قرار می‌گیرند. برای رسیدگی به این موضوع، ابتکاراتی مانند پلیس جامعه، آموزش جانبداری ضمنی برای افسران، و اجرای اقدامات پاسخگویی سخت گیرانه^۱ پیشنهاد شده است. یکی دیگر از زمینه‌های حیاتی اصلاحات، بازنگری کلی در سیاستها و شیوه‌های مجازات است. حداقل احکام اجباری و تفاوت در احکام بر اساس عواملی مانند نژاد و وضعیت اجتماعی-اقتصادی^۲ به یک سیستم ناعادلانه و ناعادلانه کمک کرده است. رویکردهای مجازات جایگزین، مانند برنامه‌های عدالت ترمیمی و دادگاه‌های مواد مخدر، راه‌های امیدوارکننده‌ای را برای ارتقای توانبخشی و کاهش تکرار جرم ارائه می‌کنند و در عین حال انصاف را در نتایج صدور حکم تضمین می‌کنند. (علی نژاد، ۱۴۰۳، ص ۱) البته باید به یاد داشته باشیم؛ در بسیاری از موارد، اجرای عادلانه قانون، در گرو تفسیر عادلانه است. (امینی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۳۹)

توجه به حقوق متهم و بره دیده بر معیار قانون

توجه به حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری یکی از اصول اساسی نظام‌های حقوقی است که در قوانین مختلف، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ایران، به رسمیت شناخته شده است. این حقوق نه تنها به حفظ عدالت کمک می‌کند بلکه موجب تضمین دادرسی عادلانه و منصفانه برای تمامی طرفین دعوا می‌شود. توجه قاضی به حقوق متهم نه تنها یک الزام قانونی، بلکه یک ضرورت اخلاقی و انسانی است. رعایت این حقوق باعث می‌شود که فرآیند دادرسی عادلانه و منصفانه باشد و اعتماد عمومی به نظام قضایی تقویت شود. در نظام حقوقی ایران، این اصول در قوانین مختلف از

1 . Strict Accountability Measures

2 . Socio-Economic Situation

جمله قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر مقررات مورد تأکید قرار گرفته‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری (مرحله کشف جرم) مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. (ساقیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳)

به صورت خاص و مصداقی مثلاً تحقیقات مقدماتی مرحله حساس دادرسی کیفری است. اقدامات قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در موارد خاص، در این مرحله همانند مراحل کشف جرم، تعقیب متهم و دادرسی به معنی اخص باید متضمن حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی متهمان، ترمیم خسارات بزه دیدگان و تأمین نظم عمومی و منافع اجتماع باشد. با این همه تأمین حفظ حقوق فردی و اجتماعی مزبور به طور توأمان در این مرحله از دادرسی از پیچیدگی و ظرافت خاص بیشتری برخوردار است. زیرا از یک سو ضرورت حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی و ترمیم خسارت بزه دیدگان ایجاب می‌کند که به سرعت آثار و قرائن و دلایل ارتکاب جرم حفظ و جمع آوری شده و از فرار یا مخفی شدن متهمان جلوگیری شود و از سوی دیگر همواره نگرانی و بیم این امر وجود داشته است که در اثنای انجام اقدامات سریع مزبور دقت و احتیاط فدای تعجیل در ضرورت تسریع انجام تحقیقات شود و اشخاص شرافتمند به ناحق تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و علیه ایشان کیفرخواست صادر شود. به همین لحاظ در تحولات نظام‌های دادرسی کیفری به منظور تأمین موازن حقوق بشر در اسناد بین المللی سعی وافر مبذول شده که ضمن تأمین حقوق جامعه، حقوق دفاعی اشخاص مظنون در این مرحله حفظ و توسعه یابد. در میان اقدامات متنوعی که در تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود. نظر به اهمیت امر تحقیقات مقدماتی و به ویژه اقدام به بازجویی، اسناد بین المللی حقوق بشر، قوانین اساسی و نظام‌های عدالت کیفری مترقی کشورها، تضمینات حقوق دفاعی متهمان را در راستای حمایت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها، به هنگام اعمال تحقیقات پیش بینی و مقرر کرده‌اند. دفاع مؤثر متهمان و وکلای ایشان در استناد به حقوق دفاعی مزبور موجب جلوگیری از تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان و صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب در مرحله تحقیقات است. بنابراین تحقیق در تبیین مفهوم حقوق دفاعی متهمان و مصادیق آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (مستقیمی، ۱۳۹۷، ص ۳۶۴) بحث پیرامون معضلات نظری عدالت حقوقی در گرو تبیین دقیق مفهوم عدالت است. (عالی پناه، ۱۳۸۶، ص ۵)

در میان حقوق دفاعی متعدد متهم آخرین دفاع را، که در مرحله نهایی هر مرحله از دادرسی مبتنیا بر اصل برایت مورد توجه قرار گرفته، می‌توان تکمیل کننده فرایند دفاع تلقی کرد. بر همین اساس قانونگذار در مواد ۲۶۲، ۳۷۱ و ۳۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ به این حق اشاره نموده است. جستار حاضر با استفاده از روش تحلیلی در مقام پاسخ دهی به این سؤالات است که آیا مقامات قضایی در هر شرایطی در پایان تحقیقات ملزم به اخذ آخرین دفاع هستند؟ آیا می‌توان در صورت احضار متهم برای اخذ آخرین دفاع و عدم حضور وی، درخواست حاضر کردن وی، و در صورت عدم حضور، وجه الکفاله و وجه التزام را اخذ یا وثیقه را ضبط نمود؟ یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که آخرین دفاع حق متهم و متضمن تکلیفی برای مقام قضایی است. در احضاریه باید به اخذ آخرین دفاع بدون قید نتیجه عدم حضور جلب است تصریح شود. مقام قضایی فقط در فرضی که نظر به بزهکاری متهم داشته باشد ملزم به اخذ آن است. عدم اخذ آن علاوه بر تخلف انتظامی، موجب بی اعتباری رأی است. در صورت عدم حضور متهم نمی‌توان تأمین مأخوذه را اخذ یا ضبط نمود. (رحمدل، ۱۳۹۹، ص ۹۹)^۱ باید همیشه دانست حق جزء جداناپذیر عدالت دانسته است. (راسخ، ۱۳۹۹، ص ۷۷) به عنوان در سیره مولی الموحدین علی (ع) مفهوم عدالت، کلیدی‌ترین و بارزترین مفهوم در نظام فکری، و مبنایی‌ترین اصل در سلوک سیاسی اجتماعی ایشان است. (معمار، ۱۳۹۳، ص ۴۷)

نتیجه گیری

این جستار پژوهشی به بررسی معیارهای تفسیر قوانین کیفری بر اساس حق و عدالت در فرآیندهای رسیدگی پرداخت و نشان داد که تفسیر قوانین کیفری باید به گونه‌ای انجام شود که عدالت ماهوی، حقوق اساسی افراد و منافع عمومی را به طور متوازن تأمین کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که قوانین کیفری به صورت مضیق تفسیر شوند تا از گسترش بی‌رویه جرائم و مجازات‌ها جلوگیری شود و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها رعایت گردد. همچنین، در تفسیر قوانین باید به عدالت ماهوی و انصاف توجه ویژه‌ای شود تا قضات و مفسران قوانین به دنبال تحقق عدالت در هر پرونده باشند، نه صرفاً اجرای خشک و مکانیکی قوانین باشد. مضافاً، تفسیر قوانین

۱. به صورت کلی، هدف از ساختار قانون در هر کشوری، برقراری عدالت است. در همین راستا قانونگذار با تصویب و تدوین قانون، سبب ایجاد نظم و عدالت می‌شود تا از ایجاد هرج و مرج خودداری نماید. در تحقق عدالت و رسیدگی به جرائم و تخلفات باید مقررات قانونی رعایت شود تا این هدف محقق گردد. در همین زمینه دادسرا اقدام به کشف جرم و آغاز تحقیقات مقدماتی در راستای احراز جرم می‌نماید که در طی این رسیدگی، ضابطان قانونی باید مقررات رسیدگی را رعایت کرده و حقوق متهم را رعایت نمایند. یکی از اصلی‌ترین معیارهای دادرسی، عادلانه بودن آن دادرسی است. به عبارتی دیگر، اگر دادرسی‌های قانونی عادلانه نباشد در این صورت این دادرسی اصلاً قانونی و قابل استناد نیست. یکی از مواردی که سبب عادلانه بودن دادرسی می‌شود.

باید با در نظر گرفتن اهداف تقنینی و سیاست‌های کیفری انجام شود تا قوانین به گونه‌ای تفسیر شوند که با اهداف اصلی قانون‌گذار همسو باشد. همچنین، تفسیر قوانین کیفری باید با ارزش‌های حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی سازگار باشد تا حقوق بنیادین افراد، از جمله حق برائت، حق دفاع و حق دادرسی عادلانه، نقض نشود. از سوی دیگر، قوانین کیفری باید به صورت پویا و با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناوری تفسیر شوند تا قضات بتوانند قوانین را با شرایط روز جامعه تطبیق دهند و از تفسیرهای خشک و غیرمنعطف جلوگیری کنند.

برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت تفسیری، باید مکانیزم‌هایی برای نظارت بر تفسیر قوانین توسط قضات ایجاد شود. این امر می‌تواند از طریق آموزش قضات و ایجاد نهادهای نظارتی محقق شود. همچنین، در فرآیند تفسیر قوانین، باید به حقوق متهمان و حقوق قربانیان به طور متوازن توجه شود تا عدالت برای همه طرف‌های درگیر در پرونده تحقق یابد. استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای، از جمله جامعه‌شناسی حقوقی، روان‌شناسی کیفری و جرم‌شناسی، نیز می‌تواند به درک بهتر زمینه‌های اجتماعی و روانی جرائم کمک نماید. ارتقای آموزش قضات و حقوق‌دانان در زمینه تفسیر قوانین کیفری و اصول عدالت‌محور نیز ضروری است. این آموزش‌ها باید شامل مباحثی مانند حقوق بشر، اصول دادرسی عادلانه و روش‌های تفسیر پویا باشد. تفسیر به حق و عدالت در فرآیندهای رسیدگی قضایی به معنای تفسیر قوانین و مقررات به گونه‌ای است که عدالت ماهوی، حقوق اساسی افراد و منافع عمومی به طور متوازن تأمین شود. این رویکرد فراتر از تفسیر خشک و تحت‌اللفظی قوانین است و بر اساس اصول انصاف، برابری و حقوق بشر انجام می‌گیرد. در این فرآیند، قضات و مفسران قوانین باید به دنبال تحقق عدالت در هر پرونده باشند و از تفسیرهایی که منجر به نقض حقوق افراد یا ایجاد بی‌عدالتی می‌شود، اجتناب کنند. فرآیند تفسیر قوانین باید شفاف و قابل دسترسی باشد و قضات باید دلایل و مبانی تفسیر خود را به طور واضح بیان کنند تا از ابهامات و سوءتفاهمات جلوگیری شود. پس تفسیر قوانین کیفری در پرتو آموزهای حقوقی باید به گونه‌ای باشد که عدالت کیفری را در بالاترین سطح ممکن تحقق بخشد. با رعایت معیارهای پیشنهادی، می‌توان به سیستمی دست یافت که نه تنها از حقوق افراد حمایت می‌کند، بلکه به تقویت اعتماد عمومی و به ایجاد نظام قضایی عادلانه‌تر و کارآمدتر منجر شوند که در آن حقوق همه افراد، از جمله متهمان و قربانیان، به طور متوازن مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

- اخوان طبسی، محمد حسین و داورى، روح الله. (۱۳۹۷). صورت‌بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه «قسط». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۷(۱).
- اشرفی، ارسلان. (۱۳۹۸). اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق ایران. فصلنامه تمدن حقوقی، ۲(۲).
- امیری، عباس و روحی، مجید. (۱۴۰۱). عدالت قضایی و رابطه آن با ثبات و کارآمدی نظام‌های سیاسی (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران). ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۰).
- امینی، محمد، پوربافرانی، حسن، الشریف، محمدمهدی و شهابی، مهدی. (۱۴۰۲). ترسیم گستره‌ی «تفسیر به عدالت» در حقوق جزا در پرتو منطق حقوق کیفری. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۴(۲).
- بهره مندی، مهدی، توکلی، احمدرضا، و مهدوی، محمدهادی. (۱۳۹۸). تقدم علم قاضی در مقام تعارض با سایر ادله اثبات دعوی با رویکردی بر مبانی فقهی و اخلاقی. پژوهش‌های اخلاقی، ۹(۳).
- پورباقی، مریم، (۱۴۰۱)، اختیارات قاضی در ارزیابی ادله اثبات دعوا در نظام حقوق کیفری ایران، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/1590930>
- دانش‌پژوه، مصطفی. (۱۳۸۶). تأملی در «رابطه حقوق و عدالت» با تأکید بر حقوق اسلام. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۸(۲).
- راسخ، محمد. (۱۳۹۹). حق جزء مؤلف عدالت. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۳(۶).
- رحمدل، منصور. (۱۳۹۹). حقوق دفاعی متهم: مفهوم و ابعاد مختلف آخرین دفاع متهم. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۷(۱۹).
- زارعی، فاطمه و شادکام، محمد، (۱۴۰۰)، حق برخورداری از عدالت و مساوات از منظر فقه و حقوق ایران، هفتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت در علوم انسانی، تهران، <https://civilica.com/doc/1475276>
- ساقیان، محد مهدی. (۱۳۹۳). تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۹۲. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶).
- مستقیمی، مسلم. (۱۳۹۷). تضمین حقوق متهم در قوانین جزایی ایران. قانون یار، ۲(۷).
- مسعودیان، مصطفی. (۱۳۹۸). تحلیل فقهی حقوقی شاخصه‌های عدالت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۸(۲۵).
- موسوی، سیدفضل اله، موسوی، سیدمهدی، و رضانی، احمد. (۱۳۹۰). نقش زبان شناسی قضایی در تحقق عدالت قضایی. حقوق تطبیقی (نامه مفید)، ۷(۱۷) ۲(۸۸).

- مهریزی، مهدی و گیتی، خسرو و کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۵)، رعایت اصل انصاف در حقوق جزای ایران و بررسی آن در فقه امامیه، کنگره بین المللی جامع حقوق ایران، <https://civilica.com/doc/718094>
- علی نژاد، محمدجواد، (۱۴۰۳)، اصلاح نظام عدالت کیفری: راهبردهایی برای افزایش انصاف و عدالت، در دهمین کنفرانس بین المللی و حسابداری حقوق، <https://civilica.com/doc/2042285>
- عالی پناه، علیرضا . (۱۳۸۶). تبارشناسی عدالت حقوقی. پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۸ (۲).
- معمار، ثریا . (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع). فصلنامه علمی شیعه شناسی، ۱۲ (۴۷).

